

خانواده خوشبخت

مجید رشید پور

یک عمر غم و غصه، یک عمر رنج و دشواری و جنگ و جدال است، و سرانجام همه شاهد پاشیدگی کانون خانوادگی خواهند بود.

در اینجا این سؤال مطرح می شود که چرا برخی از خانواده ها خوشبخت و موفق هستند و بعضی گرفتار و دریندا؟ آیا می توان باور کرد که اساساً موضوع ازدواج از قدرت و اختیار انسانها بیرون است و پیوند زناشویی در آسمانها بسته می شود و دختر و پسر در انتخاب همسر خود اصلاً نقشی ندارند؟

درست است که همه حولها وقوه ها در ید با کفایت پروردگار قرار دارد، ولی همین خدا به انسانها دستور می دهد: "از تو حرکت از خدا برکت". براساس "لیس للانسان الا ماسعی" همه انسانها وظیفه دارند در تمامی امور به اندازه طاقت و توان خود سعی و کوشش کنند، یعنی همان طور که در تحصیل علم و تجارت باید کوشا باشیم، در انتخاب همسر و تشکیل خانواده نیز دختر و پسر باید در حد توان از تحقیق و کوشش دریغ نمایند. به همین مناسبت در ساخته شدن و دریافت کمالات معنوی، انسانها موظف هستند از سعی و مجاهده خودداری نورزند، چرا که پروردگار تعالی هدایت و راهنمایی خود را موقوف به مجاهده افراد قرار داده است.

اگر پیوند ازدواج در آسمانها بسته می شد:
 ۱- پیشوایان دینی توصیه نمی کردند که با افراد مؤمن و دیندار ازدواج کنید. پیامبر بزرگوار در فرازی فرمودند: وعلیک بذوات الدین - بر تو است که با زنان دیندار و مؤمن ازدواج کنی.



ازدواج یک امر طبیعی است، ولی همین امر طبیعی به شکلهای گوناگونی انجام می شود. در مواردی همه اهداف ازدواج در آن به چشم می خورد، یعنی صفا و صمیمیت، سازش و سازگاری، انس و الفت و فداکاری و گذشت میان اعضای خانواده وجود دارد و در پرتو همین یکی بودن فرزندان برومندی در آن خانواده به رشد و تعالی می رسند. در مواردی هم این پیوند مبارک طوری تنظیم می گردد که محصول آن

پیغمبر (ص) به علی گفت: مردانی از قریش از من رنجیدند که چرا دخترم را به آنان ندادم، زیرا جز تو کس دیگری شایستگی همسری فاطمه را ندارد.

شیخ طوسی در کتاب "امالی" آورده است که چون پیغمبر به زناشویی علی و فاطمه رضایت داد، به فاطمه گفت: به خدا اگر در اهل بیت من بهتر از علی کسی بود تو را به علی نمی‌دادم.

از همه این سخنان این نکات آشکار می‌گردد:

۱- رضایت دختر و پسر در امر ازدواج امری ضروری و لازم است.

۲- گزینشها باید بر اساس معیارهایی انجام شود.

۳- معیارها باید بر محور اموری واقعی، حقیقی و ارزشمند دور بزنند، نه اموری واهی و سست مثل زیبایی ظاهر و پول‌دار بودن.

۴- پدران و مادران در گزینشها مسؤول هستند و در تعیین همسر برای فرزندان خود نباید دچار سهل‌انگاری شوند. به طور کلی باید توجه داشته باشیم که موفقیت در امر ازدواج در گرو عوامل بیرونی از قبیل خانه و شغل و درآمد نیست.

گرچه همه این امور به نوعی در تحکیم خانواده و خوشبختی مؤثرند، اما به نظر ما عامل عمده در موفق بودن خانواده، نحوه گزینش و انتخاب همسر است. یعنی پسر با چه دختری و دختر با چه پسری پیمان ازدواج می‌بندد. معروف است می‌گویند: خوشبختی و بدبختی فرد پس از ازدواج او مشخص می‌شود. اگر این جمله را تجزیه و تحلیل کنیم درمی‌یابیم که اصل ازدواج امری طبیعی و پسندیده است، زیرا

۲- در فراز دیگری رسول خدا فرمود: اگر شخص خوش خلق و پرتلاشی برای خواستگاری آمد، پیوند ازدواج را با او انجام دهید.

۳- اگر پیمان ازدواج از اختیار انسانها خارج بود رسول خدا نمی‌فرمود: با زن زیبا رویی که از اصالت خانوادگی محروم است ازدواج نکنید، زیرا چنین زانی همانند گل‌های زیبایی هستند که در کنار مزبله‌ها رویده‌اند.

۴- اگر چنین بود امام جعفر صادق علیه‌السلام به یاران خود دستور نمی‌داد: زن همانند گردن‌بند است، مواظب باشید که چه نوع گردن‌بندی را به گردن خود می‌افکنید. در کتاب زندگی فاطمه زهرا سلام الله علیها چنین آمده است:

از علی علیه‌السلام نقل می‌کنند که گفت: من نزد پیامبر رفتم. چون مرا دید خندان شد و پرسید: ای علی برای چه آمده‌ای؟ من پیوندم را با او و سبقت خود را در اسلام و جهادم را در راه دین بر شمردم. رسول خدا فرمود: راست می‌گویی تو فاضلتر از آنی که بر شماری. گفتم: برای خواستگاری فاطمه آمده‌ام. گفت: علی پیش از تو کسانی به خواستگاری او آمده بودند، اما دخترم نپذیرفت. بگذار ببینم او چه می‌گوید. سپس به خانه رفت و به دخترش گفت: علی تو را از من خواستگاری کرده است. تو پیوند او را با ما و پیشی او را در اسلام می‌دانی و از فضائل او آگاهی. زهرا علیها‌السلام بی‌آنکه چهره خود را برگرداند خاموش ماند. پیغمبر (ص) چون آثار خشنودی را در چهره فاطمه دید، گفت: الله اکبر، خاموشی او علامت رضای اوست.

مرحوم مجلسی به نقل از عیون اخبار الرضا چنین نوشته است:

بدون در نظر گرفتن معیارهایی به طور ناشناخته فردی را به زندگی شخصی خود داخل نماییم؟ از مقدمات ذکر شده بخوبی آشکار می‌گردد که دقت و بررسی در گزینش همسر یک امر لازم و ضروری است. در ضمن بدانیم که خوشبختی و بدبختی افراد از همین گذرگاه رقم می‌خورد.

معیارایمان

مطالعه آیات قرآن و روایات اسلامی این واقعیت را آشکار می‌سازد که ایمان به خدا یکی از کمالاتی است که ارزشمندی انسان را در نزد پروردگار از فرشتگان برتر و بالاتر می‌برد. علاوه بر این ایمان یک عامل بسیار قوی برای اجتناب از بدیها و زشتیهاست. فرد با ایمان خودبخود از بسیاری از آلودگیها و انحرافات برکنار است. فرد با ایمان دروغ نمی‌گوید، اهل خیانت نیست، به مال و ناموس کسی چشم نمی‌دوزد و هرگز سرسوزنی از مسیر حق و حقیقت انحراف نمی‌یابد.

عوامل کنترل‌کننده بیرونی همانند قوانین و نظارت‌های اجتماعی در مقایسه با ایمان بسیار ضعیف و نارسا هستند، زیرا کاربرد این عوامل محدود به زمان و مکان خاصی است، در حالی که نیروی درونی ایمان افراد با ایمان را در طول زندگی از کج‌روییها و انحرافات باز می‌دارد.

علی‌علیه‌السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید: هر که را از درون واعظ و بازدارنده‌ای نباشد، عوامل بیرونی نمی‌تواند چندان مفید و سازنده باشد. به همین مناسبت توصیه شده است که در انتخاب همسر سعی شود طرف مقابل اعم از دختر و پسر فرد باایمانی باشد. ازدواج با فرد

رسول خدا(ص) فرمود: هیچ بنایی نزد پروردگار محبوبتر از پیوند ازدواج نیست. پس، خوشبختی و بدبختی از اصل ازدواج نیست، بلکه از چگونگی ازدواج نشأت می‌گیرد. به عبارت دیگر اگر دختر و پسری براساس معیارهای عقلی و در نظر گرفتن کفویت و همانندی در ابعاد فکری، روحی، اقتصادی و دینی به ازدواج اقدام کنند، بطور قطع چنین پیوندی مبارک و موفق خواهد بود. ولی اگر در گزینش همسر به اموری سست و واهی تکیه نمایند و معیارهای واقعی را در گزینش نادیده بگیرند، واضح است که چنین ازدواجی پس از گذشت مدت زمان کوتاهی دچار شکست خواهد شد.

به اعتقاد ما خوشبختی و بدبختی مرد و زن در ارتباط با نحوه گزینش و تعیین همسر است. همه می‌دانیم که در مسافرتهاى چند روزه هرکسی سعی می‌کند از میان جمع فردی را انتخاب کند که از نظر خلق و خوی، رفتار و منش همانند خود او باشد. و باز می‌دانیم که همگان در خرید خانه مدتها به بررسی و تحقیق پرداخته، تلاش می‌کنند خانه‌ای را خریداری کنند که از عیوب و نواقص برکنار بوده، با ذوق و سلیقه افراد مطابقت داشته باشد. پس چگونه می‌توان پیوند ازدواج را که یک امر حیاتی و سرنوشت ساز است بدون مطالعه و بررسی معیارها به انجام رسانید؟

باید توحه داشته باشیم که در پرتو ازدواج بطور غیر مستقیم فردی را تا پایان زندگی انتخاب کرده، او را محرم اسرار داخلی، شغلی و فامیلی خود قرار می‌دهیم و نیز فردی را برای مربی‌گری فرزندان خود بر می‌گزینیم. بنابراین آیا صحیح است که بدون تحقیق و بررسی و

فناقد تعادل روحی و روانی بوده، دچار اختلالات رفتاری خواهد بود.

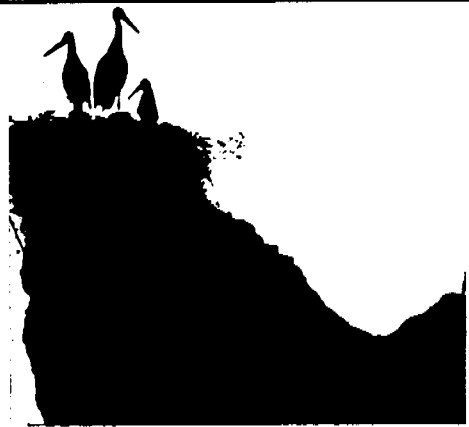
افراد اصیل در برخورد با دشواریها و سختیها با آبروداری و شکیبایی مشکلات را پشت سر گذاشته، از حریم سداد و عفت و سازگاری به هیچ وجه انحرافی نخواهند یافت؛ در حالی که فرد غیر اصیل اگر هزاران نوع مهر و محبت به او شده باشد در فرصتی همه را نادیده گرفته، در یک لحظه بی شخصیتی و بی تباری خود را بروز خواهد داد. به همین جهت پیامبر بزرگوار (ص) از ازدواج با زن زیبارویی که از اصالت خانوادگی محروم مانده است شدیداً ممانعت به عمل می آورد و این گونه زنان را به گلهایی که در کنار مزبله ها می رویند تشبیه کرده است.

فرد غیر اصیل علاوه بر اینکه زندگی را در کام همسرش تلخ و ناگوار می سازد در ارتباط با تعلیم و تربیت فرزندان فاقد صلاحیت تربیتی است و بطور ناخود آگاه روحیات زشت و نازیبای خود را به کودکان معصوم انتقال خواهد داد. به عبارت دیگر فرد غیر اصیل و پست همانند درخت بدگهری است که میوه اش نیز تلخ و زهر آگین است.

باید به خاطر داشته باشیم که در متن زندگی خانوادگی آنچه که ضرورت دارد اصالت، نجابت و پاکدامنی است، و متأسفانه افراد غیر اصیل با این گونه مفاهیم آشنایی ندارند. در این قبیل خانواده ها به مرور زمان کانون خانوادگی از درون متلاشی می گردد.

معیار کفویت

در ضرب المثل های ما ایرانیان آمده است



مؤمن بطور عادی و طبیعی افراد خانواده را از بسیاری از گناهان و آلودگیها باز داشته، برخورد اعضای خانواده را با یکدیگر منطقی تر و مسالمت آمیز تر می کند.

بدیهی است وقتی طرفین ازدواج هر دو متدین و با اخلاق باشند، چنین پیوندی مبارک و میمون بوده، خیرات و برکات الهی بر خانواده آنها فرود خواهد آمد.

معیار اصالت و نجابت

یکی دیگر از معیارهای اصیل در امر ازدواج نجابت و اصالت خانوادگی است. کلمه اصالت از اصل گرفته شده که معنای آن ریشه دار بودن است. بنابراین اصیل به فردی اطلاق می گردد که از نظر خانوادگی دارای ریشه و تباری باشد.

بدیهی است فردی که زیر پوشش تربیتی پدر و مادر عاقلی قرار گرفته باشد خواهی نخواهی بر اساس الگو پذیری، همه کمالات خلقی و روحی آنان را مورد اقتباس قرار خواهد داد. در حالی که دختر و یا پسر که از پدر و مادر علاقه مند و متعهد محروم مانده باشد، علاوه بر اینکه از نظر عواطف دچار کمبودهایی است،

استحکام و دوام است، زیرا دختر و پسر براساس عواطف سرشار و عشق و دلدادگی نمی‌توانند معیارهای اصیل ازدواج را در نظر بگیرند. بدیهی است پس از گذشت مدت کوتاهی از ازدواج هر دو این واقعیت را لمس خواهند کرد که ازدواج آنان سست و لرزان بوده، فاقد هر نوع عوامل پیوندی است.

روی این اصل هر دختر و پسر که می‌خواهند با یکدیگر ازدواج کنند باید توجه داشته باشند که بر اثر غرقه شدن در عشق و دلدادگی توان و قدرت اندیشیدن و فکر کردن از آنها سلب می‌گردد و دختر و پسر بدون اینکه معیارهای همانندی را در نظر بگیرند با یکدیگر پیمان ازدواج می‌بندند. در این صورت بدیهی است در اولین فرصتی که عقل خفته بیدار گردد، هر دو خواهند فهمید که پایه‌های ازدواجشان سست و لرزان بوده است. این چنین زوجهایی از دو راه یکی را باید انتخاب کنند، یا باید با دشواریها و سختیها سازش و تفاهم کنند و عمری را با حسرت و حرمان به پایان برسانند یا پیوند ازدواج را باز کرده، از یکدیگر جدا شوند؛ که باید اعتراف کنیم انجام هریک از این دوکار صعب و دشوار است!

پاورقی:

۱ - فی النبوی: مثل المؤمن عندالله کمثل ملک مقرب وان المؤمن اعلى عندالله من ملک مقرب. (سفینه البحار، صفحه ۳۵، باب آمن)

که کیوتر با کیوتر، باز با باز؛ زیرا صحبت ناچنس غذایی است الیم و دردناک. در پیوند ازدواج دختر و پسر باید اصل همانندی در ابعاد علمی، فرهنگی، دینی و اقتصادی رعایت شود، زیرا پیوند ازدواجی که این اصل در آن رعایت شده باشد، از دوام و استحکام بیشتری برخوردار خواهد بود.

در ترکیبات شیمیایی این واقعیت وجود دارد که هر قدر عناصر ترکیب شونده از نظر عنصری به یکدیگر نزدیکتر باشند، ترکیب آنها دوام و استحکام بیشتری خواهد داشت. بررسیها حاکی است که در موارد زیادی اختلافات و درگیریها بین زن و مرد از عدم کفویت نشأت می‌گیرد. به عنوان مثال گاه مرد متدین است و زن لایابالی و گاه مرد بی‌سواد است و زن دارای تحصیلات عالی و به همین ترتیب.

در روایات اسلامی آمده است که اگر علی نبود برای فاطمه همسری پیدا نمی‌شد و چنانچه فاطمه نبود برای علی علیه‌السلام کفوی وجود نداشت.

ازدواج براساس بینش و عقل،

نه عشق و دلدادگی

در خلال بحث‌های قبلی اشاره کردیم که پیوند ازدواج سرنوشت ساز است و زن و مرد با تشکیل خانواده خوشبختی و یا بدبختی خود را رقم می‌زنند؛ و باز اشاره کردیم که مراقبت و دقت در گزینش همسر یک واقعیت اجتناب ناپذیر است.

باتوجه به این نکات بخوبی در می‌یابیم که پیوند ازدواج براساس دلدادگی و عشق فاقد